



ارزیابی و تحلیل تطبیقی جایگاه مطالعات اجتماعی در مسائل تربیتی از منظر جامعه‌شناسی معرفت

رویکردی میان رشته‌ای

مرضیه عالی^۱

چکیده :

جامعه‌شناسی معرفت مطالعه‌ی رابطه بین اندیشه و زمینه اجتماعی شکل دهنده به آن است و در ارتباط با فلسفه تعلیم و تربیت، مطالعه و بررسی فلسفه‌های غالب تربیتی در جوامع و فرهنگ‌های مختلف است. در واقع جامعه‌شناسی معرفت به حد و حدود تأثیرات اجتماعی بر دانش و اصول تربیتی سر و کار دارد. بر این اساس هدف از این مقاله تبیین مفروضه‌های زیربنایی جامعه‌شناسی معرفت در جهت شکل‌گیری میان رشته‌ها و ارائه نمونه‌هایی از چگونگی مطالعه اجتماعی در فلسفه تعلیم و تربیت مبتنی بر مفروضه‌های جامعه‌شناسی معرفت است. برای این منظور با استفاده از روش تحلیل محتوا ابتدا متون نظری در ارتباط اصول تحلیل مسائل تربیتی مبتنی بر جامعه‌شناسی معرفت از اسناد مورد بازبینی قرار گرفت و توجه به تاریخ، جامعه و فرهنگ در مطالعه مسائل تربیتی، توجه به دانش غیر رسمی در کنار دانش رسمی حاکم بر موسسات دانشی و نوع نگاه تفسیری به مسائل تربیتی به عنوان کانون ارزیابی رشته‌های مرتبط مشخص شد و سپس رشته‌های و سرفصل‌ها مورد تحلیل محتوای کیفی قرار گرفت و هر مولفه بر اساس اسناد و شواهد موجود بازبینی گردید. نتایج مطالعه نشان داد محور اصلی مطالعات اجتماعی در مسائل تربیتی از منظر جامعه‌شناسی معرفت با رویکردی میان رشته‌ای مطالعات تطبیقی و فرهنگی در آموزش و پرورش، مطالعه مبانی اجتماعی نظام آموزش و پرورش و آشنایی با روش‌های مطالعه انسان‌شناسی فرهنگی می‌باشد.

واژگان کلیدی: مطالعات اجتماعی در مسائل تربیتی، رویکرد میان رشته‌ای، جامعه‌شناسی معرفت

مقدمه:

مطالعات اجتماعی در فلسفه تعلیم و تربیت میدانی است که در بستر نگاه جدید به مطالعات اجتماعی شکل گرفته است. یکی از رویکردهای اثرگذار بر این تحولات جامعه‌شناسی معرفت است. این رویکرد که محرکه اصلی‌اش را از گرایش موجود در اندیشه جامعه‌شناسی اروپایی قرن نوزدهم گرفته است (زیبا کلام، ۱۳۸۴)، بر شرایط اجتماعی شکل دهنده به معرفت تأکید می‌کند و در این ارتباط کل تولیدات فکری، اعم از ایدئولوژی‌ها،

۱- دانشگاه تهران، گروه مبانی فلسفی - اجتماعی تعلیم و تربیت، تهران، ایران. ایمیل: aali.hm@gmail.com



مذاهب، فلسفه‌ها و علوم را به چارچوب‌های تاریخی- اجتماعی شکل‌دهنده و دریافت‌کننده آن‌ها متصل و مرتبط می‌داند؛ تا جایی که مسامحتاً می‌توان گفت که کار جامعه‌شناسی معرفت مطالعه رابطه زیربنای اجتماعی و روبنای ذهنی است (گلوور، ۱۳۸۳). به عقیده مانهایم وظیفه جامعه‌شناسی معرفت و یا جامعه‌شناسی دانش عبارت است از تحلیل روابط میان جامعه و دانش. از طرفی این رویکرد در جستجوی معیارهایی است که توسط آنها بتوان این رابط را نشان داد و از طرف دیگر سعی می‌کند طبیعت این ارتباط را روشن ساخته و آن را از دیدگاه نظری مورد شرح و بسط قرار دهد (علیزاده، ۱۳۸۵). از این منظر مطالعات فلسفی در تعلیم و تربیت نیز باید در بستر چارچوب‌های تاریخی- اجتماعی و فرهنگی انجام پذیرد. تا کنون مطالعات اجتماعی در زمینه فلسفه تعلیم و تربیت به شیوه‌ها و با سر فصل‌های مختلفی در دانشگاه‌های جهان ارائه شده است. برخی از این میان رشته‌های فلسفی اجتماعی در تعلیم و تربیت عبارتند از: مبانی اجتماعی تعلیم و تربیت در دانشگاه ویرجینیا (دوره دکتری و ارشد)، دکترای رشته مبانی اجتماعی آموزش و پرورش در دانشگاه تولیدو، دوره کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی آموزش و پرورش در دانشگاه اوپسالا، کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی آموزش و پرورش در دانشگاه ایالتی جورجیا، رشته جامعه‌شناسی آموزش و پرورش در دانشگاه کلمبیا (دوره کارشناسی ارشد و دکتری)، دکترای آموزش و پرورش، سیاست، فرهنگ و جامعه در دانشگاه بوفالو. که در تمامی این میان رشته‌ها در این دانشگاه‌ها مسائل تربیتی در بستر سیاست، فرهنگ و جامعه^۱ ارائه می‌شود و روابط بین موسسات آموزشی و نیروهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی مورد تعمق و توجه فلاسفه تربیتی قرار می‌گیرد.

جامعه‌شناسی معرفت و تعلیم و تربیت:

جامعه‌شناسی معرفت شاخه‌ای از جامعه‌شناسی است که با پیش فرض قرار دادن اینکه بین تفکر و جامعه رابطه وجود دارد به مطالعه مسائل می‌پردازد. در این نوع نگاه به دانش و مسائل تربیتی زندگی انسان صرف نظر از تحلیل جامعه‌شناختی و علمی و اثبات آن، تحلیل گر مسائل تربیتی عملاً با گستره کاملی از محصولات تفکر، از فلسفه گرفته تا ایدئولوژی، از دکترین سیاسی گرفته تا علم کلام سروکار دارد. جامعه‌شناسی معرفت در تمامی این میدان‌ها درصدد تبیین ارتباط میان زمینه‌های اجتماعی تاریخی با ایده‌های مورد مطالعه است. زیرا اعتقاد اصلی در جامعه‌شناسی معرفت آن است که این ایده‌ها محصول و برگرفته از شرایط تاریخی و اجتماعی آن هستند.

گر چه جامعه‌شناسی معرفت ریشه در تفکر قرن نوزدهمی اروپا دارد، اما پیشینه آن به گذشته‌های بسیار دورتری



باز می‌گردد. شاید بتوان فرانسویس بیکن (Bacon) را یکی از پیشگامان جامعه‌شناسی معرفت دانست. زیرا او بر این اعتقاد بود که عواملی که بر ذهن اثر گذاشته و آنرا تحت تأثیر قرار می‌دهد، از یک سو آثار طبیعت است که در زمره عوامل ذاتی و درونی‌اند و از طریق جنسیت، سن، منطقه، سلامتی و بیماری، زیبایی و زشتی و امثال آن بر ذهن اثر می‌گذارد؛ و از سوی دیگر عوامل بیرونی هستند مانند حاکمیت، نجابت، حرامزادگی، ثروت، نیاز، طرف مشورت بودن، گمنامی، کامیابی، سیه‌روزی، فرصت‌های ثابت، فرصت‌های متغیر، مراتب دانایی و فرهنگ، و امثال آن است. ۱ بیکن در واقع حوزه‌های فکری را طرح ریخت که بعدها در قلمرو جامعه‌شناسی معرفت قرار گرفت (مور، ۲۰۰۴).

در میان تفکران قرون هفده و هجده اروپا نیز چشم‌اندازهای مشابهی از وقوع جامعه‌شناسی معرفتی نظام یافته به چشم می‌خورد، و این حقیقت را جلوه گر می‌نماید که جامعه‌شناسی معرفت در شریان فکری قرن نوزدهم جریان مواجی پیدا کرده است. به طوریکه به تحقیق می‌توان از دو جریان اساسی تفکر اروپایی قرن نوزدهم، در جامعه‌شناسی معرفت نام برد، یکی سنت مارکسیستی در آلمان و دیگری سنت دورکیمی در فرانسه. اگر چه این دو جریان اصلی مسیرهای متفاوتی را طی نمودند اما لیکن غالب تئوری‌پردازها در این زمینه از این دو مکتب کار خود را آغاز کرده‌اند. سنت پراگماتیسم و رفتارگرایی اجتماعی در آمریکا که بر مبنای نظریه کنش متقابل نمادین در این قاره شکل گرفت نیز سومین محور تأثیرگذار بر رشد و توسعه جامعه‌شناسی معرفت بوده است، اگر چه این نوع تفکر آمریکایی معاصر در حوزه جامعه‌شناسی معرفت را می‌توان ترکیبی از سنت‌های اروپایی اولیه در این زمینه با تفکر آمریکایی در سنت پراگماتیستی و رفتارگرایی در نظر گرفت (مور و ماتن، ۲۰۰۱).

مارکس در تلاش برای دور شدن از نظام مبتنی بر منطق (Pan-Logical) اندیشمند پیشین‌اش هگل در اندیشه تضاد در آثار اولیه‌اش میان فلسفه‌ها از یک سو و ساخت‌های اجتماعی انضمامی متناظر آنها از سوی دیگر ارتباطی بوجود آورد. او در تحلیل اجتماعی خود از مسائل بر مبنای نظام طبقاتی جامعه و تأثیر آن بر معرفت در کتاب نوع و گسترش جامعه‌شناسی معرفت در آلمان که مهد این شاخه جامعه‌شناسی بود، سه جریان عمده را شکل داد که برخی از آن مستقیم به اندیشه‌های او مرتبط بود و برخی دیگر با کمی فاصله به افکار او مرتبط بود. این رویکردها در وضعیت و موقعیت و محتوای جامعه‌شناسی معرفت در سایر کشورها و معرفی جهانی آن موثر بود.

جریان اول جریانی بود که سابقه تاریخی بیشتری داشت، و به طور مستقیم بر گرفته از تفکرات مارکسی بود و تعبیرات مارکسیستی در جامعه‌شناسی معرفت. در این رویکرد مارکس چگونگی ارتباط بین فکر و جامعه و به بیانی پاسخ به مسأله تعیین اجتماعی معرفت، مفروضه‌های زیربنایی وجود دارد که به جامعه‌شناسی معرفت شکل داده‌اند. از نظر مارکس جوامع در مسیر تاریخیشان به تقسیم کار و وظیفه می‌پردازند و در این میان ایده



های حاکم که حاصل سرمایه داری است به ایده ها و یا به تعبیری دقیق تر معرفت رایج در جامعه شکل می دهد. بنابراین آگاهی دارای هستی اجتماعی است (مارکس، ۱۹۰۴:۱). بر همین منوال دانش تربیتی تحت تاثیر ساختار طبقاتی اجتماع و عاملی در دست طبقه سرمایه دار برای حکومت بر جامعه است.

دوم جامعه‌شناسی معرفت مانهایم بود که با فاصله بیشتری از مارکس اما در پیوند با افکار او به گسترش جامعه‌شناسی معرفت پرداختند. در رویکرد مانهایم: چهار مفهوم اساسی مانهایمی در جامعه‌شناسی معرفت که حول آنها نظریات وی شکل می‌گیرد عبارتند از: ایدئولوژی و اتوپیا^۱، فکر پرسپکتیوی^۲، پارامترهای وجودی فکر^۳، و روشنفکران غیروابسته^۴. از نظر مانهایم روشنفکران غیر وابسته، علائق اجتماعی، ایدئولوژی عام را در بین آحاد جامعه شکل می‌دهد، واقعیت‌های تاریخی، به نسل‌ها در دوره‌های مختلف منظر خاصی می‌دهد و در جمع، پارامترهای وجودی، فکر را می‌سازد (مانهایم، ۱۹۲۹:۲۴۰ و ۱۹۲۴:۱۰۷). مانهایم اگر چه به نقش طبقات اقتصادی همچون رویکرد مارکس در شکل دهی به معرفت تربیتی بی اعتقاد است اما او روشنفکران را طبقه ای از اجتماع می داند که به معرفت رایج تربیتی شکل می دهند. زیرا موقعیت اجتماعی افراد و گروه‌ها به معرفت شکل میدهد. خواه این معرفت تربیتی یا فلسفی باشد.

و رویکرد سوم بر گرفته از افکار ماکس شلر بود (به عنوان بیانگذار جامعه‌شناسی معرفت) و اندیشمندانی همچون وبر، زیمل و صاحب نظران فنومولوژی را می توان در این رویکرد دسته بندی نمود. در این دیدگاه معرفت متعین در جامعه در یک سیستم اجتماعی-فرهنگی تحت فرایند "قرابت انتخابی"^۵ در تعامل عوامل ایده‌ای و عوامل واقعی تحقق می‌یابد (شلر، ۱۹۸۰:۶۳-۶۲)؛ "به میزانی که ایده‌ها، از هر نوع، با علائق، سائقه‌ها و گرایش‌ها متحد می‌شوند، به صورت غیرمستقیم قدرت می‌یابند و یا امکان تحقق پیدا می‌کنند" (همان: ۳۷ و ۵۴). در نتیجه برخلاف تقریباً کل فلسفه ایدئالیسم، ایده صاحب قدرت نیست، بلکه قدرت در واقعیت است. از نظر شلر بسته به نوع جامعه یکی از آن عوامل (خویشاوندی، سیاسی، اقتصادی) به عنوان عامل مسلط عمل می‌کند و متناظر با آن هم نوع معرفت (مذهب، فلسفه، علم) معرفت مسلط است. در معرفت تربیتی این شکل از معرفت در فضای واقعیت‌های اجتماعی و در پاسخ بدان شکل می‌گیرد. بنابراین بر خلاف ایده آلیسم ها این بازی دوگانه بین عوامل ایده‌ای و عوامل واقعی، در سطح تاریخی-اجتماعی (و در جامعه‌شناسی معرفت)، تعیین کننده نوع معرفت در یک جامعه است و قدرت در این بستر تعیین می‌گردد.

اما شاخه اصلی دیگری که از جامعه‌شناسی معرفت شکل گرفت همانگونه که قبلاً ذکر شد جامعه

1 - Ideology Utopia

2 - Perspective

3 - existential factors

4 - socially unattached intellectuals

5 -



شناسی معرفتی دورکیم است. دورکیم در تلاش برای اثبات ریشه و فونکسیون اجتماعی اخلاق، ارزشها و مذهب و در تبیین این امور به عنوان اشکال متفاوت نموده‌های جمعی^۱ بود که با جامعه شناسی دینی او پیوند نزدیکی دارد. او در جامعه شناسی دینی اش می‌کوشد نشان دهد که ریشه تعهدات دینی انسان در تعهدات اجتماعی اش نهفته است. در واقع از نظر او شهر خدا چیزی نیست جز بازتاب شهر انسان. در جامعه شناسی معرفتی دورکیم مقولات اندیشه انسان از شیوه‌های زندگی اجتماعی او سرچشمه می‌گیرند.

دورکیم بر این عقیده بود که نخستین طبقه بندی‌های زمانی و مکانی و نیز طبقه بندی‌های دیگر ذهن، ریشه ای اجتماعی دارند و به سازمان اجتماعی مردم ابتدایی بسیار نزدیکند. زیرا در مردم و اقوام ابتدایی مراسم‌های تکراری و با تناوب زمانی مشخص باعث میشد تقویمی به شکل تکرار متناوب روزها طراحی شود و این نخستین طبقاتی که ذهن انسان تصور کرده است حاصل ساختارهای اجتماعی است (مرتن، ۲۰۱۰). به همین ترتیب طبقات مردم و طبقه بندی اشیاء در جهان طبیعیبه یکدیگر وابسته بودند. او بعدها چنین استدلال کرده بود که گرچه طبقه بندی‌های علمی کنونی دیگر از ریشه‌های اجتماعی شان بسیار دور گشته اند، اما سیاقی که ما بدان، چیزها را هنوز به عنوان پدیده‌های متعلق به یک خانواده طبقه بندی می‌کنیم، در واقع، خاستگاه‌های اجتماعی اندیشه طبقه بندی را آشکار می‌سازند. بر همین منوال دانش تربیتی حاصل خاستگاه‌های اجتماعی و تاریخی است و بنیان تاریخی آن می‌تواند در بستر زمان به همراه تحولات اجتماعی دگرگون شود. به عنوان مثال نظام تربیتی در هر عصر و زمان و هر شرایط اجتماعی ویژگی‌های خاص همان دوران را دارد که البته نه در شکل و صورت بلکه در بنیان دانش آن رخنه کرده است (کریوس، ۲۰۰۶).

اگر چه خود دورکیم نتوانسته بود ریشه‌های اجتماعی مقولات اندیشه تربیتی را به درستی تعیین کند، اما سهم پیشگامانه او را در بررسی همبستگی میان نظام‌های خاص فکری و نظام‌های سازمان‌های اجتماعی، نمی‌توان انکار کرد. همین بخش از کار دورکیم و نه برخی از قضایای معرفت‌شناختی قابل بحث تر او بود که بر تحول بعدی جامعه شناسی معرفت اثر گذاشته است. حتی اگر نپذیریم که مفاهیم زمان و مکان ریشه اجتماعی دارند، باز چنین می‌نماید که مفاهیم خاص زمان و مکان در چهارچوب یک جامعه خاص و در یک زمان خاصی از تاریخ، از زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی خاص سرچشمه می‌گیرند. دورکیم در اینجا نیز مانند بررسی اش درباره پدیده دین، به روابط متقابل کارکردی میان نظام‌های عقاید و افکار و ساختار اجتماعی مسلط پرداخته بود.



جامعه‌شناسی معرفت جدید

در رویکرد جامعه‌شناسی معرفت جدید فرهنگ به مثابه یک دیدگاه تبیینی و تفهیمی پهنه برجسته‌ای یافته و این دیدگاه به شدت تقویت شده و مورد توجه قرار گرفته است که هم در فضای جامعه‌شناسی، هم در خارج آن - فرهنگ نقش به‌سزایی را در تحلیل مسائل تربیتی و اجتماعی دارد (مندیک، ۲۰۰۶).

این رویکرد جدید که بعضی آن را نوعی تحول و چرخش از دیدگاه کلاسیک جامعه‌شناسی معرفت به رویکرد جدید می‌دانند در زمانی اتفاق افتاد که "فرهنگ"، "معرفت" و "زبان"، به عنوان موضوعات اصلی شکل دهنده به مطالعات اجتماعی شکل دادند و در نوع نگاه به دانش تربیتی نیز به تبع آن تحولاتی را ایجاد نمودند. وجه مشخصه این جریان جدید جامعه‌شناسی، یا به بیانی دقیق تر دانش اجتماعی درباره تربیت، فاصله گرفتن از نظریه‌های ساختار اجتماعی و رفتن به سمت فضای معنا در جامعه، شکل‌گیری، تبادل و باز تولید آن است. در این فضای معنا و رفتار فرهنگی، تبیین فعل و انفعالات نه همچون اثبات گرایان علی‌اند^۱، نه تحصیلی‌اند^۲ و نه تقلیل‌گرایانه^۳؛ بلکه تفسیری‌اند و تفهیمی.

این رویکرد همراه با رویکردهای پسا اثبات‌گرایانه و تفسیری در دهه‌های پایانی قرن بیستم شکل گرفت و نوع جدیدی از مطالعات تربیتی را شکل داد.

در این جامعه‌شناسی معرفت جدید، مسائلی از قبیل انواع جدید سازمان اجتماعی دخیل در معرفت، موقعیت اجتماعی^۴ جدید معرفت و فرهنگ و نظریه‌های جدید قدرت و جنسیت به جای نظریه‌های کلاسیک اقتصادی - طبقاتی مطرح می‌شود و تمرکز بر موضوعاتی نظیر "معرفت غیررسمی"^۵، معرفت زندگی روزمره^۶ است و مسائل جامعه معرفتی^۷ و فناوری اطلاعات^۸ (رلین، ۲۰۰۰: ۳۴).

عمده نقد جامعه‌شناسی معرفت جدید در نقد جامعه‌شناسی معرفت قدیم برخاسته از نقدی است که آنها در ارتباط با، جامعه‌شناسی معرفتی مانهایمی است که در مرکزیت آن این سؤال است که چگونه موقعیت اجتماعی افراد و گروه‌ها به معرفت شکل می‌دهد. نوع نگاه جدید به شکل‌گیری معرفت در جامعه که منجر به شکل‌گیری جامعه‌شناسی معرفت جدید شد، پاسخ به این سؤال است. زیرا معرفت در جامعه‌شناسی "قدیم" به عنوان معرفتی است که دربرگیرنده سیستم‌های رسمی معرفتی است. در حالیکه در نگاه جدید به معرفت، معرفت

1 - Causal

2 - Positivist

3 - Reductionist

4 - social Location

5 - informal Knowledge

6 - Knowledge of Everyday Life

7 - Knowledge Society

8 - Information Technology



دربرگیرنده بسیاری از مؤلفه‌هی وسیع‌تر و سیال‌تر و عمیق‌تر ذهن، نگرش‌ها، گرایش‌ها، حالت‌ها، جهت‌گیری‌های روانی و ارزشی، خصائص و خصلت‌ها، انگیزه‌ها، احساسات و روحيات می‌شود که در تأملات و افکار همه لایه‌های اجتماعی و از جمله دانش تربیتی و حتی نگرش افراد نسبت به مسائل تربیتی، بروز می‌یابد.

چرخش مطالعات تربیتی به جامعه‌شناسی معرفت

از جمله نتایج جامعه‌شناسی معرفت جهت‌گیری مطالعات تربیتی به سمت مطالعات اجتماعی و فرهنگی در جهت بررسی و شناخت مسائل است. این چرخش حاصل تحولی عظیم‌تر در فلسفه علوم اجتماعی است و آن نسبت مطلق معرفت و علم است که ظهور آشکار باطن و بنیاد سفسطی حاکم بر صحنه علم را به همراه دارد و این نسبت و به دنبال آن، شکاکیت و سفسطه دلیل پایان ناپذیر بودن همان جدالی است که علم وارد معرکه آن می‌شود. این فضای معرفتی حاکم بر ذهنیت علمی معاصر، هویت عقلی یا دینی علم را انکار می‌کند و با پنهان کردن مبانی و مبادی فلسفی حاکم، سرابی از حقیقت را به دست الهه‌ای می‌سپرد که چیزی جز تاریخ فرهنگ و تمدن غرب نیست. بر این اساس عده توجهات لازم در مطالعه مسائل تربیتی را در بستر جامعه‌شناسی معرفت می‌توان در بستر تحولات ذیل در نظر گرفت:

۱- توجه به تاریخ، جامعه و فرهنگ در مطالعه مسائل تربیتی

۲- توجه به دانش غیر رسمی در کنار دانش رسمی حاکم بر موسسات دانشی

۳- نوع نگاه تفسیری به مسائل تربیتی

بنابراین جامعه‌شناسی معرفت جدید در حیطة معرفت تربیتی نیز رسوخ می‌کند و نوع نگاه به دانش تربیتی را از سلطه حاکم می‌رهاند و در بتر تاریخ و جامعه معنا و دوام می‌بخشد. قطعاً در چنین نگرشی آنچه تغییر می‌باید نه تنها معرفت فلسفی بلکه هر آن نوع معرفتی است که بر زندگی انسان احاطه دارد همچون معرفت و دانش تربیتی است (بنستن و انستانگروم، ۲۰۰۹). که ضرورت شناخت بسترهای شکل‌گیری معرفت را همچون زمینه‌های تاریخی، اجتماعی و فرهنگی مطرح می‌سازد. این تحولات و دگرگونها در مطالعه مسائل تربیتی در کشورهای مختلف جهان شکل گرفته است و نوع نگاه دگرگونی را درباره مطالعه آکادمیک در رشته‌های تربیتی ایجاد کرده است که نیازمند بررسی دقیق است.

روش‌شناسی:

نظر به پیش‌فرض بنیادی برای تحقق هدفهای یاد شده در این مقاله، پس از مطالعه نظری در پیش‌فرض‌ها و رویکردهای جامعه‌شناسی معرفت از روش تحلیل محتوا جهت تحلیل میان‌رشته‌ها بهره‌گرفته شده است. بر این اساس سر فصل و برنامه درسی رشته‌های مرتبط با مطالعات میان‌رشته‌ای در فلسفه تعلیم و تربیت و



مطالعات اجتماعی مورد تحلیل محتوای کیفی قرار گرفته است، لذا به منظور تحدید حیطه موضوعی مورد بررسی، تلاش شد تا با قراردادن ملاک‌هایی منطقی دایره دانشگاهها، رشته‌های مرتبط و سر فصل‌های آن محدود شود. از جمله این ملاک‌ها که قواعد شناسایی میان رشته‌های اجتماعی و تربیتی را مشخص می‌کند.

۱- ارائه رشته به صورت میان رشته‌ای در دو رشته فلسفه تعلیم و تربیت و علوم اجتماعی

۲- ارائه میان رشته در بستر فلسفه تعلیم و تربیت

۳- معتبر بودن دانشگاههای ارائه کننده رشته

۴- در دسترس بودن تمامی سر فصل‌های دروس رشته ارائه شده

سپس بر اساس ماهیت اصول بازیابی شده از اصول تحلیل مسائل تربیتی مبتنی بر جامعه‌شناسی معرفت، تحلیل سرفصل‌ها و اهداف رشته‌های مرتبط با رویکرد تحلیل محتوای موضوعی انجام شد. این گونه از تحلیل از این جهت که در آن ابتدا مقوله‌های معینی در نظر گرفته شده و متن بر حسب آنها مورد تحلیل و کدگذاری قرار می‌گیرد و شواهدی از متن در هر مقوله ارائه می‌شود، شیوه‌ای کیفی است (باقری، ۱۳۸۷: ۲۷۱). روش تحلیل محتوا متضمن تعامل دو فرایند است: تعیین ویژگیهای محتوایی که باید اندازه‌گیری شود و کاربرد قواعد شناسایی و ثبت ویژگیها وقتی که آنها در متنی که باید تحلیل شود به چشم می‌خورند (همان منبع). نظر به این پیش فرض بنیادی، در مرحله اول از پژوهش تحلیل محتوای مستندات نظری درباره اصول تحلیل مسائل تربیتی مبتنی بر جامعه‌شناسی معرفت مبتنی بر کتب و مقالات مرتبط صورت گرفت و بر اساس آن رشته‌های و سرفصل‌ها مورد بررسی قرار گرفت و هر مولفه بر اساس اسناد و شواهد موجود بازیابی گردید.

تحلیل داده‌ها:

هدف از ارائه این مقاله ارزیابی و تحلیل ضرورت و اهمیت توجه به مطالعات تربیتی- اجتماعی به عنوان کانون تجزیه و تحلیل فرایندهایی است که آموزش و پرورش ایران در دنیای واقع با آن روبه‌رو است و یا آموزش و پرورش تحت تاثیر و تابعی از تغییرات آنها و مقایسه جایگاه این رویکرد و شکل‌گیری رشته‌های مختلف تربیتی در سایر دانشگاههای جهان است.

- مبانی اجتماعی تعلیم و تربیت در دانشگاه ویرجینیا (دوره دکتری و ارشد): دانشگاه ویرجینیا^۱ یکی از معتبرترین دانشگاه‌های ایالات متحده آمریکا است که در ایالت ویرجینیا واقع شده است. دانشگاه ویرجینیا توسط توماس جفرسون در سال ۱۸۱۹ میلادی، بنیان نهاده شد. این دانشگاه جزو میراث جهانی یونسکو در آمریکا به ثبت رسیده است. رشته مبانی اجتماعی آموزش و پرورش در دانشگاه ویرجینیا در دو مقطع دکتری در رشته

1 - University of Virginia



مبانی اجتماعی تعلیم و تربیت در سه گروه عمده ارائه می گردد. بر اساس سر فصل های ارائه شده در این دانشگاه مسائل تربیتی در بستری از مسایل فرهنگی و اجتماعی کشور امریکا ارائه می شود.

- دکترای رشته مبانی اجتماعی آموزش و پرورش در دانشگاه تولیدو^۱: دانشگاه تولیدو یکی از دانشگاه های ایالات متحده آمریکا بوده و در اوهایو واقع است. دوره دکتری در رشته مبانی اجتماعی آموزش و پرورش در این دانشگاه دارای قدمتی طولانی است.

- دوره کارشناسی ارشد جامعه شناسی آموزش و پرورش در دانشگاه اوپسالا: دانشگاه اوپسالا کهن ترین دانشگاه سوئد در منطقه اسکاندیناوی به شمار می رود. این دانشگاه در سال ۱۴۷۷ پایه گذاری شده است. این دانشگاه حدود ۲۳۰۰۰ دانشجوی تمام وقت، و ۲۲۰۰ دانشجو دکترا دارد. یکی از دوره های آموزشی در دانشکده علوم تربیتی این دانشگاه دوره کارشناسی ارشد جامعه شناسی آموزش و پرورش است.

- کارشناسی ارشد رشته جامعه شناسی آموزش و پرورش در دانشگاه ایالتی جورجیا: دانشگاه ایالتی جورجیا^۳ یکی از دانشگاه های ایالات متحده آمریکا بوده و در جورجیا در شهر آتلانتا واقع است. رشته مبانی اجتماعی آموزش و پرورش در مقطع کارشناسی ارشد گسترده مطالعاتی وسیعی در حیطه آموزش و پرورش می باشد که با رویکرد میان رشته ای مسائل تربیتی را مورد مطالعه قرار می دهد. در دانشگاه ایالتی جورجیا، در این رشته مبانی اجتماعی به معنای مطالعه تاریخی، فلسفه، جامعه شناسی، انسان شناسی، و علوم سیاسی است.

- رشته جامعه شناسی آموزش و پرورش در دانشگاه کلمبیا^۴ (دوره کارشناسی ارشد و دکتری): دانشگاه کلمبیا از قدیمی ترین و معتبرین دانشگاه های آمریکا و جهان به شمار می آید. این دانشگاه اکنون داری ۳۵۴۳ استاد و ۲۴۸۲۰ دانشجو است. رشته جامعه شناسی و آموزش و پرورش در دانشگاه کلمبیا در دو مقطع کارشناسی ارشد و دکتری ارائه می گردد.

- دکترای آموزش و پرورش، سیاست، فرهنگ و جامعه در دانشگاه بوفالو^۵: دانشگاه ایالتی نیویورک در بوفالو، یکی از دانشگاه های ایالات متحده آمریکا و از دانشگاه های اصلی دانشگاه ایالتی نیویورک است که در شهر بوفالو در ایالت نیویورک واقع است. در این دانشگاه دوره دکتری با عنوان آموزش و پرورش، سیاست، فرهنگ و جامعه^۶ ارائه می شود. در این دوره روابط بین موسسات آموزشی و نیروهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی مورد تعمق و توجه قرار می گیرد.

1 - University of Toledo

2 - Uppsala University

3 - Georgia State University

4 - Columbia University

5 - Buffalo University

6 - Educational Culture, Policy, and Society

**یافته ها:**

بر اساس تحلیل داده های انجام شده در زمینه بررسی مقایسه ای برنامه های آموزشی در دانشگاهها و رشته ها و گرایش های مختلف مهم ترین محور های شکل دهنده به رشته های فلسفی اجتماعی در مطالعات تربیتی با توجه به ملاک ها و معیارهای جامعه شناسی معرفت به شرح ذیل است:

• مطالعات تطبیقی و فرهنگی در آموزش و پرورش

یکی از موضوعات اصلی مطالعات تطبیقی و فرهنگی در آموزش و پرورش درک و توضیح تفاوت های فرهنگی و زمینه های مشترک زندگی انسانی است. بررسی میان فرهنگی، تطبیقی و مطالعات در راستای فهم فرایندهای انتقال فرهنگی و تحول و مسائل معاصر در آموزش و پرورش از اهم این موضوعات است (دانشگاه تولیدو). برای درک بهتر تفاوت های انسانها در بستر های فرهنگی مختلف اهداف زیر برای این درس ارائه میشود:

- درک مسائل فرهنگی کشور خود از طریق مطالعه تطبیقی فرهنگ های دیگر .
- درک چگونگی تجارب و ارزش ها در سایر سیستم های اجتماعی
- پرورش مهارت های تفکر انتقادی از طریق خواندن، نوشتن، و بحث و گفتگو.

• مطالعه مبانی اجتماعی نظام آموزش و پرورش

هدف اصلی این درس تبیین مهم ترین وجوه آموزش و پرورش ایران از نظر اهداف، مقاطع، سطوح و انواع آموزش ها و ارزیابی نقاط مختلف آن، بررسی عوامل تاریخی، فرهنگی و اجتماعی اثر گذار بر سیاستها و قوانین آموزش و پرورش. شناسایی جریانهای فکری موثر در نظام آموزش و پرورش معاصر کشور مورد نظر می باشد همچنین در این درس تبیین و تحلیل فرایند تعلیم و تربیت با توجه به عوامل اجتماعی مورد توجه است.

• آشنایی با روش های مطالعه انسان شناسی فرهنگی

انسان شناسی فرهنگی که گاه مردم شناسی اجتماعی نیز نامیده می شود به مطالعه فرهنگ و جامعه انسانی می پردازد. در انسان شناسی فرهنگی، تفاوتها و شباهت های اجتماعی و فرهنگی جامعه های گوناگون بررسی می شود (خانه انسان شناسی ایران، ۲۰۰۸). همچنین انسان شناسی فرهنگی اجتماعی، به مطالعه فرهنگ های مختلف انسانی و آنچه به فرهنگ ها شکل داده است می پردازد. همچنین انسان شناسی فرهنگی تمرکز زیادی بر روی تفاوت های بین افراد از حیث مسائل فرهنگی همچون نژاد، زبان، قومیت و .. دارد. بنابراین هدف از ارائه درس انسان شناسی فرهنگی آن است که دانشجویان مهارتهای مطالعه در سایر فرهنگ ها را بیاموزند و دیگر یاد



بگیرند با جمع آوری داده ها در مورد اثر فرهنگ جدید بر زندگی انسان مطالعه نمایند .

بر این اساس زوش مطالعه تفسیری در کانون توجه قرار می گیرد و بر اساس آن پس از مطالعه مفاهیم پایه در انسان شناسی فرهنگی دانشجویان به سمت مطالعه تاریخچه اندیشه انسان شناسی و تحول آن تا تاسیس این رشته در قرن نوزده و ادامه آن تا امروز سوق داده می شوند و با ارزیابی نگرشهای نظری رقیب و تفسیر آنها (تکامل گرایی و نقد آن)، اشاعه گرایی، فرهنگ گرایی، نسبت گرایی و کارکردگرایی فرهنگی به بررسی معانی اجتماعی در بستر زندگی می پردازند.

بررسی جایگاه مطالعات اجتماعی در مسائل تربیتی در سایر دانشگاههای جهان ناظر بر آن است که ورود به رویکردی میان رشته ای در مطالعه مسائل تربیتی ایران از منظر اجتماعی یک باز ضرورتی غیر قابل انکار می باشد.

بحث و نتیجه گیری:

نفوذ رویکردهای اثبات گرا به محیط های آموزشی منجر به شکل گیری رشته های مختلف فارغ از متن و زمینه شکل گیری آنها در نظام های آموزشی بوده است، اما با تحول در رویکردهای مطالعات اجتماعی و شکل گیری رویکرد جامعه شناسی معرفت در مطالعات اجتماعی، در دانشگاههای گوناگون جهان مسائل تربیتی نیز در بستر اجتماعی و تاریخی مورد مطالعه قرار گرفته است و به صورت رشته ای مستقل در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری با عناوینی گوناگون همچون مطالعات اجتماعی در تعلیم و تربیت^۱، جامعه شناسی آموزش و پرورش^۲ و آموزش و پرورش، سیاست، فرهنگ و جامعه^۳ تدریس می شود، اما این رویکرد در نظام آموزشی ایران مجهول مانده است و بجز تک درس دو واحدی و اختیاری جامعه شناسی آموزش و پرورش در برخی از گرایش های رشته علوم تربیتی کمتر بدان پرداخته شده است. این در حالی است که شناخت مسائل تربیتی از جهات گوناگون و در زمینه های فرهنگی، تاریخی و جامعه شناختی به عنوان راه گشای بسیاری از مسائل تربیتی است. در بررسی میان رشته های مختلف مهم ترین ویژگی های میان رشته های تربیتی - اجتماعی به شرح ذیل است:

الف) تقریباً در اغلب دانشگاههای میان رشته مطالعات اجتماعی در فلسفه تعلیم و تربیت با رویکرد جامعه شناسی معرفت آموزش داده می شود.

ب) دروس تاریخ و مطالعات اجتماعی در مقاطع دکتری و ارشد فلسفه تعلیم و تربیت حائز اهمیت بالایی است.

ج) در میان رشته های ارائه شده، مطالعه تطبیقی در زمینه فرهنگ ها و نقش و تاثیر آن در فلسفه های تربیتی

1 - SOCIAL FOUNDATION OF EDUCATION

2 - SOCIOLOGY OF EDUCATION

3 - Educational ,Culture, Policy, and Society



مختلف دارای اهمیت است.

بر اساس نتایج حاصل از مطالعات نظری و تحلیل محتوای میان رشته های فلسفه تعلیم و تربیت و مطالعات اجتماعی نیاز به ارائه رویکردهای تربیتی مبتنی بر فرهنگ و بوم ضرورت تدوین میان رشته های تربیتی اجتماعی ظهور می یابد که منطبق با محیط فرهنگی و شرایط اجتماعی خاص نظام تربیتی اسلامی - ایرانی باشد.

Assessment and comparative analysis of educational issues in perspective of the social studies in the sociology of knowledge Interdisciplinary approach

Marzieh Aali¹

Abstract:

Sociology of knowledge of the relationship between thought and social context shaping it and in connection with the philosophy of education, research and educational philosophies prevailing in different societies and cultures. In fact, the sociology of knowledge to the limits of social influences on knowledge and principles dealing. The aim of this study assumptions underlying the sociology of knowledge in order formation of interdisciplinary and provide examples of how social studies in philosophy of education is based on the assumptions of the sociology of knowledge. For this purpose, using content analysis of the theoretical literature on educational issues based on analysis of documents was retrieved and sociology of knowledge of the history, society and culture in the study of educational issues, according to the knowledge of informal The results showed that the core of social studies educational issues from the perspective of the sociology of knowledge with interdisciplinary approach

Comparative and cultural studies in education, the social foundations of education and familiarity with cultural anthropology is the study of methods.

Keywords: social studies educational issues, interdisciplinary approach, The sociology of knowledge

منابع:

- ۱- باقری، خسرو؛ سجادیه، نرگس؛ و توسلی، طیبه (۱۳۸۹). رویکردها و روش های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- ۲- خانه انسان شناسی ایران (۲۰۰۸)، انسان شناسی فرهنگی، ۱ بهمن ۱۳۸۵. بازبینی شده در ۳ زانویه .
- ۳- زیباکلام، سعید (۱۳۸۴). معرفت شناسی اجتماعی طرح و نقد مکتب ادینبورد. تهران: سمت.
- ۴- علیزاده، عبدالرضا (۱۳۸۵). جامعه شناسی معرفت (جستاری در تبیین رابطه ساخت و کنش اجتماعی و

1 -aali.hm@gmail.com



معرفتهای بشری). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۵- گلوور، دیوید (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی معرفت و علم. مترجم: شاپور بهیان و دیگران، تهران: سمت.

۶- مانهایم، کارل (۱۳۸۰) ایدئولوژی و اتوپیا، ترجمه: فریبرز مجیدی، تهران: سمت

- 7- Benson, O. and Stangroom, J. (2009) Why Truth Matters. London: Continuum Books.
- 8- Berlin, I. (2000) Three Critics of the Enlightenment: Vico, Hammann, Herder. Princeton: Princeton University Press.
- 9- Bernstein, B. (2000) Pedagogy, Symbolic Control and Identity: Theory, Research, Critique, 2nd edition. Oxford: Rowman & Littlefield Publishers.
- 10- Crews, F. (2006) 'Introducing follies of the wise'. Retrieved from <http://www.butterfliesandwheels.com/14/6/06>.
- 11- <http://curry.virginia.edu/academics/degrees/doctor-of-philosophy/ph.d.-in-social-foundations>
- 12- <http://eps.education.gsu.edu/programs-courses/social-foundations-education/ms-sfd>
- 13- <http://gse.buffalo.edu/programs/ecps>
- 14- <http://www.tc.columbia.edu/epsa/sociology/index.asp?Id=Degrees&Info=Degree+Programs>
- 15- <http://www.utoledo.edu/education/depts/efl/programs/edtheory/PhD.html>
- 16- <http://www.uu.se/en/admissions/master/selma/program/?pKod=UUS>
- 17- Mendick, H. (2006) 'Review Symposium of Moore (2004)', British Journal of Sociology of Education 27(1): 117-23.
- 18- Merton, R. K. (۲۰۱۰) The Sociology of Science: Theoretical and Empirical Investigations. Chicago: University of Chicago Press.
- 19- Moore, R. (2004) Education and Society. London: Polity Press.
- 20- Moore, R. and Maton, K. (2001) 'Founding the sociology of knowledge: Basil Bernstein, epistemic fields and the epistemic device', in A. Morais, I. Neves
- 21- Young, M. (2007) 'Structure and activity in Durkheim and Vygotsky's social theories of knowledge', Critical Studies in Education 1(1): 43-53.